

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال - افغانستان

۰۱ می ۲۰۱۳

در افغانستان چه می گذرد؟

(۲۰۴)

بسته های میلیون دالری ماهانه به ارگ در یک دهه گذشته از سوی سازمان جاسوسی امریکا

دولت پوشالی کابل که به فرمایش اشغالگران غربی بعد از حملات یازده سپتمبر شکل بندی و ایجاد گردید، یکی از فاسد ترین و منفور ترین دولت های پوشالی و وابسته در جهان، ثبت تاریخ گردیده است. به همین دلیل است که نزد مقامات درجه اول این دولت هیچ معیاری برای حیثیت و عزت وجود نداشته و همانند فاحشه های سیاسی عمل می نمایند.

گرفتن چای پولی از رژیم فاشیستی و ضد مردمی ایران در اکتوبر ۲۰۱۰ سر و صدا های زیادی را ایجاد نمود و سردسته جواسیس و وطنفروشان (حامد کرزی) با مداری گری در آن زمان خواست این عمل خود را با قیمت وطن دوستی توجیه نماید. او با این جملات که در کشور های مثل افغانستان، در کشور های فقیر، وطن دوستی قیمت دارد... این قیمت را هر روز می پردازیم، نهایت رذالت و وطنفروشی خود را به اثبات رساند.

دم و دستگاه دولت پوشالی کابل که تا مغز و استخوان در وطنفروشی و جاسوسی غرق اند، نه تنها از گرفتن پول از رژیم آخوندی ایران عار نکردند و خجالت نکشیدند، بلکه سردسته جواسیس با «افتخار» اعلان کرد که «ایران، سالی یک بار یا دو بار، گاهی پنج صد هزار، گاهی ششصد هزار یورو کمک می کند».

چنان که فاحشه های سیاسی از اعمال شان عار ندارند و برای بقای خود هر لحظه از آغوشی به آغوشی می خزند، دولت پوشالی کابل نیز چنین عمل نموده و از خزیدن به آغوش امریکا، انگلیس، پاکستان و حتی رژیم فاشیستی ایران و یا هر اشغالگر و طماع دیگر شرم نداشته و حاضران برای بقای خود به گفته محمود دولت آبادی «به اشاره چشم بادرش سر طفل خود را با یک ضربه شمشیر از تن جدا کند».

اخیراً روزنامه نیویارک تایمز گزارش داد که سازمان جاسوسی اشغالگران امریکائی در جریان یک دهه گذشته، ماهانه ده ها میلیون دالر به ارگ ریاست جمهوری افغانستان پول های بی حساب و کتاب داده است. منبع این روزنامه خلیل رومان معاون رئیس دفتر کرزی گفته شده است. تا جایی که کرزی نیز پرداخت این پول ها را تأیید نموده و گفته با آنکه مقدار آن کم بوده، اما این پول مفید واقع شده است.

به گفته رومان «نه موارد مصرفش معلوم بود، نه مقدارش، و نه کسانی که این پول را می گرفتند و نه کسانی که این پول ها را می دادند. اما گفته می شود که این پول ها برای مخارج خانواده کرزی از طرف امریکائی ها داده می شود.»

نباید از دولت های وابسته و مزدور جز این توقع داشت، چنین دولت های هیچ معیاری برای دولرداری نداشته و به چیزی که فکر نمی کند، توده های زحمتکش و مادر وطن است. این چنین زمامدارانی ننگ تاریخ بوده، هیچ گاه از نفرین و لعنت نسل های آینده رهائی نمی یابند.

سیاه روز های هفت و هشت ثور، فراموش ناشدنیست

دو روزی که تاریخ چهار دهه اخیر کشور ما را با خون توده های درد دیده و ستمکش ما، رنگین ساخته، روز های هفت و هشت ثور می باشند. در این دو روز قساوت ها، جنایت ها، وطنفروشی ها، خیانت ها و بالاخره چور و چپاول هست و بود مردم ما رقم خورده اند. مطمئناً با روی کار آمدن دولت انقلابی و مردمی این دو روز سیاه، به عنوان روز های ماتم و عزای عمومی در کشور ما اعلان گردیده و بیرق های دولت انقلابی در تمامی نقاط جهان نیمه افراشته می گردند.

حزب منفور دموکراتیک با کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ که با حمایت مستقیم رویونیست های شوروی همراه بود، توانست داوود خان را از مسند قدرت به زیر کشیده و به زندگی اش نقطه پایان بگذارد. هنوز چند ماه از کودتای نظامی سر سپرده های کرملین نگذشته بود که موج دستگیری ها آغاز گردید و هزاران انسانی را که سرشان به نشان ارزیده و به دستشان رسید، به بهانه های گوناگون اعدام و یا راهی زندان های مخوف نمودند.

در نتیجه نا آرامی ها، اعتراضات و بالاخره خیزش های خودجوش مردمی هر روز گسترش یافته و سبب گردید تا عرصه را به کودتاچیان تنگ نمایند. این جرثومه های وطنفروش متوجه شدند که دیگر تاب مقاومت در برابر خیزش های توده ئی را ندارند، دست به دامن «همسایه بزرگ شمالی» بردند تا بلکه زیر نام «کمک های انترناسیونالیستی»، «انقلاب برگشت ناپذیر و شکوهمند هفت ثور» را از نابودی حتمی نجات دهند.

در شش جدی ۱۳۵۸، قشون ارتش «سرخ» سوسیال امپریالیسم شوروی بر زمین ما هجوم آوردند که بعد از ۹ سال چیزی جز یک و نیم میلیون کشته، بیش از دو میلیون معلول، زن بیوه و طفل یتیم، بیش از هفت میلیون آواره و سر زمین سوخته با نابودی تمامی زیربنا ها چیزی دیگر برای کشور ما باقی نماندند.

ای کاش شکست و خروج چکمه پوشان شوروی، آغاز دوره جدید برای توده های رنجیده ما می گردید تا ویرانه های افغانستان زخمی را با بازوان ستبر خود در همکاری با دولت انقلابی و مردمی دوباره میساخت؛ اما دریغا که چنین نشد.

بد مستی های ددان جهادی بعد از شکست دولت دست نشانده کرملین، در هشتم ثور ۱۳۷۱ آغاز گردید. این جنایتکاران وحشی که درس وطنفروشی، چور و چپاول، قساوت، جنایت، رذالت، و ویرانی را در مکتب های CIA، ISI و رژیم های فاشیستی و ضد مردمی ایران و عربستان سعودی فرا گرفته بودند، تا توانستند کشتند و بستند و ویران کردند.

با قتل عام ۶۵ هزار نفر از مردم ستمدیده کابل که توان فرار از شهر را نداشتند، از کشته ها پشته ها ساختند. کابل به شهر ارواح تغییر چهره داد، تا جایی که سگ های ولگرد در این شهر با خوردن دوامدار گوشت انسان های مرده

به جانوران وحشی مبدل گردیدند و به انسان های زنده نیز حمله ور می شدند. فجایعی که در جریان حاکمیت تنظیم های جهادی در کابل به وقوع پیوسته غیر قابل باور است.

زدن میخ بر سر زنده ها، تماشای رقص مرده، بریدن پستان های زنان، تجاوز های گروهی به زنان و مردان، خوردن گوشت انسان به وسیله انسان و هزاران جنایت فجیع دیگر پیامد های «پیروزی» جهاد تنظیمی اسلامی بودند. با گذشت ۲۱ سال از دوره توحش جهادی ها هنوز که هنوز است ویرانی های به جا مانده در گوشه های شهر کابل نمایان می باشند.

این توده های زحمتکش و ستمدیده ما بودند که بار سنگین جنایات و بدبختی های چهار دهه اخیر را به دوش کشیده و بیشترین درد و رنج را احساس نمودند. خلق ما هرگز روز های ۷ و ۸ را فراموش نکرده و لحظه شماری می نماید تا انتقام خود را از عاملین داخلی و خارجی جنایتکاران هفت و هشت، طالبان فاشیست و اشغالگران غربی بگیرند.